روزنامه شرق

۳۲ صفحه

پنج شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۸۵ ■ ۷ ربیع الاول ۱۴۲۷ ■ ۶ آوریل ۲۰۰۶

سال سوم ■ شماره ۷۲۹ ■ ۳۲ صفحه ■ استثنائاً فقط در روز پنج شنبه ۲۵۰ تومان

نقد اصلاحات

تحلیل احسان شریعتی از انتخابات ۸۴

«احسان شریعتی» معتقد است نهمین انتخابات ریاست جمهوری در ایران به ظاهر ابطال کننده نتایج انتخابات دوم خرداد است چون اصلاح طلبان شکست خورده‌اند و از صحنه حاکمیت حذف شدند. وی معتقد است: در خارج کشور تحلیل ها چنین بود که انتخابات ریاست جمهوری یک سناریو است و قرار بر این است که افرادی همچون احمدی نژاد و معین بیایند و فضا را گرم کنند تا هاشمی رفسنجانی پیروز انتخابات شود. اما اتفاق دیگری افتاد. درحالی که نه سناریویی در کار بود و . . .

صفحه ۶

آیین مهرگان

نوشتار منتشرنشده‌ای از زنده‌یاد سعید نفیسی

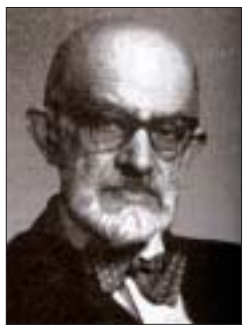

مهرگان هم مانند نوروز یادگار نخستین روزهایی است که ایرانیان به دین زرتشت گرویده‌اند. در آیین زرتشت اهورمزد که بنیادگزار خوبی ها و زیبایی ها است یک دسته یاران و یاوران و همکارانی دارد که به منزله فرشتگان مقربند و به آنها امشاسپندان می گویند و پس از آن یک دسته یاوران درجه دوم‌اند که به آنها یزته یا ایزدان می گویند. در تقویم اوستایی که در آیین زرتشتی مقرر شده دوازده ماه سی روزه برقرار کرده بودند و چون سال شمسی سیصد و شصت و پنج روز است . . .

صفحه ۱۹

ژولیت بینوش برای بازی در فیلم کیارستمی وارد تهران شد

بازیگر اسکاری در فیلم ایرانی

ساعت ۲۰ و ۲۰ روز سه شنبه، ژولیت بینوش با استقبال عباس کیارستمی وارد تهران شد- عکس: رضا معطرپان، شرق

گروه ادب و هنر، مینا اکبری: ترمینال پروازهای خارجی فرودگاه مهرآباد، عصر روز سه شنبه ۱۵ فروردین. میزبان عباس کیارستمی است. او در میان هم وطنان خود که برای استقبال از میهمانانشان به فرودگاه آمده‌اند ابایی از شناخته شدن ندارد. بعید است مردم عادی غیر از بازیگران فیلم های عامه پسند و سریال های تلویزیونی، کارگردان ها را هم بشناسند. به ویژه اینکه آخرین باری که مردم ایران فیلمی از عباس کیارستمی را دیده‌اند، به ۵ سال پیش برمی گردد که فیلمی از او درباره ایدز در آفریقا، نمایش محدودی در چند سینمای کوچک داشت. اما نکته جالب توجه شاید حضور کیارستمی نبود. او منتظر ورود بازیگر جدید فیلمش به ایران بود.

ژولیت بینوش بازیگر مطرح سینمای فرانسه و جهان، برنده جایزه اسکار، قرار است در تازه‌ترین ساخته کیارستمی بازی کند. به همین خاطر کیارستمی به همراه مترجم همیشگی اش توفان گرکانی به فرودگاه مهرآباد آماده است.

از ازدحام خبرنگاران، از فلاش دوربین های عکاسان و حتی از تشریفات عادی استقبال از یک هنرمند طراز اول بین المللی در فرودگاه خبری نیست. همه چیز کاملاً ساکت و بی سروصدا برگزار می شود، مثل اینکه قرار بود کسی خبردار نشود، به طوری که حضور ما نیز چیزی جز یک تصادف ناگهانی برای پوشش این خبر داغ و دست اول معنی نمی دهد.

هواپیمای خطوط هوایی ایرفرانس ساعت ۲۰/۳۰ دقیقه به زمین می نشیند. ژولیت بینوش به شکل ناخودآگاهی مسکوت بودن ماجرا را بیشتر رعایت کرده است. لباس اش آنقدر ساده و حجابش آنقدر معمولی است که اگر در آن جمعیت، عاشقان پروپاقرص کیشلوفسکی هم حاضر بودند نمی توانستند تشخیص بدهند آن خانمی که به فرانسه با عباس کیارستمی خوش وبش می کند، بازیگر فیلم آبی است.

برخلاف حضور شان پن در انتخابات سال گذشته حضور ژولیت بینوش مانند یک سکانس سانسور شده از یک فیلم آغاز می شود. کل استقبال کنندگان از او، کیارستمی و مترجمش، من و یک عکاس هستیم. حالا سئوال ها شروع می شود.

چرا ژولیت بینوش، چرا کیارستمی و چرا آنقدر ساکت . . .

■■■

ژولیت بینوش بازیگر سرشناس فرانسوی برنده جایزه اسکار، برای حضور در آخرین پروژه سینمایی عباس کیارستمی وارد تهران شد. بینوش بازیگر فیلم شکلات (هالستروم) برخلاف بازیگران پرزرق و برق هالیوودی در حالی که لباس ورزشی سرمه‌ای به تن داشت و طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران، موهایش را با شال ساده‌ای پوشانده بود در فرودگاه مهرآباد با استقبال عباس کیارستمی روبه رو شد. کیارستمی که تاکنون در تمامی آثارش به جز «گزارش»، از هیچ بازیگر حرفه‌ای سینما استفاده نکرده قرار است در تازه‌ترین پروژه سینمایی اش که در مرحله پیش تولید قرار دارد از ژولیت بینوش بازیگر روشنفکر فرانسوی استفاده کند. عباس کیارستمی که در آخرین لحظات ورود بینوش وارد فرودگاه شده درباره جزئیات نقش این بازیگر در فیلم تازه‌اش ترجیح می دهد که فعلاً سکوت کند. اما به نظر می رسد با توجه به حساسیت های همیشگی این کارگردان مطرح ایران در زمینه بازیگری، نتیجه کار در کارنامه ژولیت بینوش کاملاً متفاوت باشد. از سوی دیگر حضور بازیگری با سابقه حرفه‌ای بینوش که جزء هنرپیشگان طراز اول جهان است در سینمای کیارستمی نیز می تواند علاقه مندان آثار این فیلمساز را مثل همیشه با تجربه جدیدی روبه رو کند. لوکیشن فیلم تازه عباس کیارستمی که فیلمبردارش محمود کلاری است در اطراف اصفهان واقع شده و بینوش امروز به همراه کیارستمی راهی اصفهان خواهد شد تا از محل فیلمبرداری بازدید کند.

در حالی که پیش از این از حضور ایزابل آجانی دیگر بازیگر مطرح فرانسوی برای بازی در فیلم کیارستمی نام برده می شد حضور ژولیت بینوش که برای علاقه مندان سینمای جهان در ایران چهره‌ای آشنا و مطرح تر بود آنها را شوکه کرد.

بینوش ۴۱ ساله فرزند مادری نویسنده و پدری بازیگر است که علاوه بر سینما در تئاتر نیز سابقه طولانی دارد و هرگز صحنه تئاتر را به خاطر حضور در پروژه های سینمایی برای همیشه ترک نکرده است. او درحالی که ۲۰ ساله بود با بازی در فیلم زندگی خانوادگی (دوییون) وارد سینما شد و یک سال بعد در سه فیلم از سه کارگردان مطرح سینمای فرانسه یعنی «قرار ملاقات» (تشینه)، زنان (لانو) و سلام مریم (ژان لوک گدار) بازی کرد. اما اثری که او را به شهرت جهانی رساند فیلم «سبکی غیرقابل تحمل هستی» ساخته فیلیپ کافمن بود که براساس اقتباسی از رمان مشهور میلان کوندرا ساخته شد.

۹ سال پیش، بینوش جایزه فدریکو فلینی را از طرف مدیر کل وقت یونسکو به کیارستمی اهدا می‌کند

او با بازی در این فیلم که پیچیدگی های غریبی داشت تحسین یک صدای منتقدان را برانگیخت. و بعد از آن با بازی در فیلم «عشاق پون نوف» ساخته همسر اولش (کاراکس) نشان داد که درخشش در فیلم کافمن اتفاقی نبوده است.

ژولیت بینوش محبوبیتش را با بازی در فیلم خسارت (مال) در نزد منتقدان سینمایی دوچندان کرد. او در این فیلم تصویر تمام عیار معصومیت زنانه‌اش را با بازی در نقش یک زن افسونگر شکست و البته این شکست در زندگی خصوصی اش هم رخ داد و به رابطه پنج ساله اش با (کاراکس) پایان داد. بینوش در گفت وگویی علت حضور در آن فیلم را توصیف منتقدان درباره خودش می داند و می گوید: دوست داشتم از تصویر معصومی که حول من شکل گرفته بود خارج می شدم.

این بازیگر باهوش و روشنفکر با رد پیشنهاد استیون اسپیلبرگ برای بازی در فیلم «پارک ژوراسیک» (۱۹۹۳) به کریشتف کیشلوفسکی پیوست تا با بازی در شاه نقش زندگی حرفه‌ای اش در فیلم «آبی» وجه دیگری از بازیگری اش را نشان دهد. او در این فیلم نقش زنی مستاصل که یک فاجعه را پشت سر گذاشته آنقدر طبیعی ایفا کرد که داوران جشنواره ونیز مجاب شدند تا شیر طلایی بهترین بازیگر نقش اول را به او اهدا کنند. بیشترین معروفیت ژولیت بینوش در ایران هم به خاطر بازی در همین فیلم است.

اما ملاحت و استعداد استثنایی ژولیت بینوش دست به دست هم دادند تا دو سال بعد در نقش یک پرستار در فیلم اسکاری «بیمار انگلیسی» با چندان قدرتی ظاهر شود که جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش دوم زن را از آن خود کند.

او در گفت وگویی عنوان می کند که نقش برایش آنقدر ارزش دارد که مثلاً برای بازی در بیمار انگلیسی مدتی را در شرایط آب و هوایی خشک سپری کرده و یا برای بازی در فیلم «آلیس و مارتن» نواختن ویولن را آموخته است. او چند روزی را هم مهمان نویسنده رمان «شکلات» شده تا نقشی که ایفا می کند با آنچه خالقش در نظر داشته تفاوتی نداشته باشد. او یک سال بعد از بازی در «بیمار انگلیسی» به رابطه سه ساله اش با «اولیویه مارتینس» بازیگر پایان داد و با «بنوا ماژیمل» بازیگر فرانسوی ازدواج کرد که دختری هم از او دارد. در سال ۲۰۰۰ نمایش فیلم شکلات با بازی بینوش و جانی دپ بار دیگر نگاه ها را به سوی او و سبک بازیگری اش که رابطه‌ای دوطرفه با نقش برقرار می کند جلب و او را نامزد دریافت جایزه اسکار کرد. حالا ژولیت بینوش در اوج شهرت و محبوبیت به ایران آمده تا در تازه‌ترین پروژه سینمایی یک کارگردان مطرح ایرانی که در کشور او محبوبیت ویژه‌ای دارد بازی کند. شاید ۹ سال پیش (۱۹۹۷) که بینوش جایزه جهانی فدریکو فلینی (یونسکو) را به خاطر ساخت فیلم «طعم گیلاس» به عباس کیارستمی می سپرد هیچ کس تصور نمی کرد که چند سال بعد در ایران قرار است این بازیگر روبه روی دوربین او ایفای نقش کند.

تیترها

احمدی نژاد در دیدار نمایندگان مجلس

مردم در سفرهای استانی من بیهوش می شوند

صفحه ۲

تصویب تک رقمی شدن سود بانکی

این مصوبه تا پایان برنامه چهارم توسعه محقق می شود

صفحه ۲

یاغی سیستان و بلوچستان کشته شد

صفحه ۳۱

بازار دیروز	
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۱۲۹۵۰ تومان
سکه تمام بهار	۱۳۸۰۰۰ تومان
نیم سکه	۶۹۰۰۰ تومان
دلار	۹۱۵ تومان
یورو	۱۱۱۸ تومان
شاخص کل بورس تهران	۹۴۸۲/۲

بازتاب‌های مناظره برلوسکونی و پرودی

صفحه اول

آرش فرح زاد: مناظره تلویزیونی سیلویو برلوسکونی نخست وزیر ایتالیا و رقیبش رومانو پرودی مورد توجه روزنامه های روز گذشته ایتالیا قرار گرفته بود. هر کدام از روزنامه ها با توجه به گرایش سیاسی خود موضعگیری متفاوتی نسبت به دومین مناظره تلویزیونی برلوسکونی و پرودی داشتند. «ایل جورناله» روزنامه‌ای که متعلق به برادر برلوسکونی است، برلوسکونی را مرد پیروز این مناظره قلمداد کرد و در مورد رقیبش نیز نوشت: «پرودی طی مناظره سعی می کرد خود را آرام و خونسرد نشان دهد، اما در لحظاتی مشخص بود که کاملاً عصبی است و نمی تواند پا به پای برلوسکونی پیش برود.» در مقابل روزنامه چپگرای «لاریپوبلیکا» عملکرد پرودی را در مناظره بسیار خوب توصیف کرد. این روزنامه در مورد نتیجه انتخابات پیش رو و تاثیر این مناظره می نویسد: «برلوسکونی وعده داده است که در صورت پیروزی در انتخابات، مالیات ها را تعدیل خواهد کرد. باید دید چند درصد از مردم همچنان به وعده های او اعتماد می کنند. مناظره اخیر برلوسکونی و پرودی نیز آنقدر جذاب نبود که مردم را به پای صندوق های رای بکشاند.» «کوریره دلاسرا» معتبرترین روزنامه ایتالیا نیز در مورد مناظره دو رقیب انتخاباتی نوشت:

«مناظره دوم برلوسکونی و پرودی نسبت به مناظره اول زنده تر بود. اما بعید است که بتوانند افرادی که بحث های سیاسی را بدون علاقه و از دور پیگیری می کنند به پای صندوق های رای بکشانند. باید دید وعده برلوسکونی برای تعدیل کردن مالیات ها چه تاثیری بر افرادی که هنوز تصمیمی برای شرکت در انتخابات نگرفته‌اند، خواهد گذاشت.» تصمیم شرکت روسی گازپروم برای سه برابر کردن قیمت گاز صادراتی به بلاروس تیتر یک روزنامه های روسیه را به خود اختصاص داده بود.

سرمقاله

دولت متفاوت

دکتر احمد پورنجاتی

«وزرای نوشیروان در مهمی از مصالح مملکت اندیشه همی کردند و هر یک از ایشان دگرگونه رای همی زدند و ملک همچنین تدبیری اندیشه کرد. بوذرجمهر را رای ملک اختیار آمد. وزیران در نهانش گفتند: رای ملک را چه مزیت دیدی بر فکر چندین حکیم؟ گفت: به موجب آنکه انجام کارها معلوم نیست و رای همگان در مشیت است که صواب آید یا خطا، پس موافقت رای ملک اولی تر است تا اگر خلاف صواب آید، به علت متابعت از معاتبت ایمن باشم.

خلاف رای سلطان رای جستن
به خون خویش باشد دست شستن
اگر خود روز را گوید شب است این
بباید گفتن: آنک ماه و پروین»
(گلستان سعدی، باب اول: در سیرت پادشاهان)

«متفاوت بودن»! مسئله این است!

می توان به جای راه رفتن روی پاها به گونه‌ای معلق کف دست ها را بر زمین گذاشت و با پاهای برافراشته در کوی و برزن قدم زد.

می توان از سپیده‌دم پرده های سیاه اتاق را کشید، همه روزنه ها را به دقت تمام پوشاند و فضایی شب گونه فراهم ساخت و با احساسی شبانه به بستر رفت و با آرامش و خونسردی تمام خوابید و برعکس در آغازین لحظه های شب همه جا را با چراغ های آفتابی روشنی بخشید و با احساسی از جنس صبحگاهان مثلاً به کار و فعالیت روزانه (البته در عمق شب!) پرداخت. این دنیای واژگونه و البته عمیقاً فانتزی البته مصداق تمام عیار «متفاوت بودن» است اما اگر همه چیزش جور باشد یک لنگی بزرگ دارد که هیچ چاره و علاجی نخواهد داشت، می پرسید کدام لنگی؟ و من پاسخ می دهم: عقلایی نیست، آقای احمدی نژاد رئیس محترم دولت نهم، عزم خود را جزم کرده و بارها به صراحت تاکید نموده که: «این دولت به کلی با دولت های پیشین متفاوت است.» در دوره تبلیغات انتخاباتی و رقابت کاندیداها اصرار هر یک از نامزدها بر معرفی چهره‌ای متمایز از دیگران و نیز منتقد و متفاوت از راه و رسم دولت های گذشته به اقتضای ضرورت جلب آرای مردم امری پذیرفته تلقی می شد. پس از انتخاب رئیس جمهور نیز برخی تفاوت و تغییرها در سیاست ها، روش ها، اولویت ها و چهره های دست اندرکار اداره کشور امری طبیعی و معقول به نظر می رسد. اما راهبرد «متفاوت بودن» دولت نهم این روزها با تصمیمات شگفت انگیزی که مردم ما شاهد هستند، کم کم رنگ و بوی همان دنیای فانتزی و سرگرم کننده‌ای را پیدا می کند که به اختصار اشاره کردم. در واپسین لحظه های پایانی سال هشتاد و چهار دولت با لغو مصوبه دولت های پیشین تصمیم گرفت برخلاف سال های گذشته عقربه های ساعت ها را در ابتدای فصل بهار تغییر ندهد. این تصمیم به ظاهر ساده یکی از مهم ترین مصداق های «متفاوت بودن» این دولت با دولت های پیشین است. اشتباه نکنید. مقصودم این نیست که چون آقای احمدی نژاد به لحاظ اهتمام و اعتنای بیشتری که به شعائر دینی و مذهبی دارد و برای اوقات شرعی انجام فرایض حرمت خاصی قائل است و از منظری فایده گرایانه به پایگاه اجتماعی حامیان خویش عنایت ویژه‌ای دارد، چنین تصمیم متفاوتی را گرفته است. خیر! این را هر کس با ضریب هوشی معمولی نیز درک می کند که مسئله تغییر ساعت- آن هم پس از سال ها تکرار و عادت جامعه‌ای که اکثریت قریب به اتفاق آن مسلمان و مبادی آداب دینی اند- امری مزاحم و آشوبگر روح و روان به حساب نمی آمد. البته شاید در گوشه و کنار برای اندک جماعت سنتی ما موجب تکرار تکیه کلام ساعت جدید و ساعت قدیم می شد. پس به راستی جانمایه رویکرد «متفاوت نمایی» دولت آقای احمدی نژاد نسبت به دولت های پیشین چیست؟

اگر تنها یک دلیل برای دفاع از چنین مصوبه‌ای ارائه کنند- که البته تاکنون دلیل قانع کننده و خردپذیری نشنیده‌ایم- ده ها دلیل در رد و مخالفت با آن ارائه شده است. پس اصرار بر این گونه «متفاوت نمایی» چه مبنای عقلی و توجیه قابل فهمی دارد؟ این قلم هیچ تفسیر و تاویلی برای این رویکرد دولت نهم جز اعتقاد و اصالت بخشی متعصبانه و افراطی به نفس «متفاوت نمایی» نسبت به سیاست ها و تصمیمات دولت های گذشته نیافته است. اکنون به خوبی می توان رمز و راز بسیاری از تصمیمات و سیاست ها و برنامه های دولت آقای احمدی نژاد را از آغاز به کار دولت نهم درک کرد که چرا به رغم دستاوردها و تجربه های ارزشمند و پرهزینه‌ای که نظام ما برای اداره کشور در عرصه های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی داشته و بسیاری از این دستاوردها و تجربه ها سرانجام در قالب سیاست های کلان و برنامه چشم انداز و برنامه های پنج ساله توسعه مورد توافق و تصویب و تاکید مراجع تدبیرکننده نظام قرار گرفته، به لطایف الحیل مورد خدشه یا تعطیل و بی اعتنایی و حتی تغییر عملی واقع شده است. اصل بر «متفاوت بودن» است و داغ باطله نهادن بر گذشته!

ادامه در صفحه ۳۱

برادر گرامی جناب آقای جلال رفیع

با دریغ و درد، درگذشت پدر گرامی تان را خدمت جناب عالی، اخوان مکرم و خانواده محترم تسلیت عرض می کنیم. از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای جناب عالی و خانواده محترم صبر و بردباری آرزو می کنیم.

محسن آرمین، منصور آسیم، سید هاشم آغاجری، محمدعلی ابطحی، کریم ارغندهپور، محمد جواد اطاعت، محسن امین زاده، عماد الدین باقی، مریم باقی، احمد بورقانی، محمد رضا بهزادیان، محمد بهشتی، حسین پابا، علی پابا، سعید پورعزیزی، احمد پورنجاتی، علیرضا تابش، سید مصطفی تاج زاده، خسرو تهرانی، رضا تهرانی، جلال جلالی زاده، حمیدرضا جلایی پور، محمدعلی جاولی، سعید حجاریان، الیاس حضرتی، محمد جواد حق شناس، فاطمه حقیقت جو، محمد رضا خاتمی، هادی خانیکی، علی خدابخش، صادق خرازی، ابوالقاسم خوشرو، علی خوشرو، محمد دادفر، فاطمه راکعی، علی ربیعی، علیرضا رجایی، مهدی رحمانیان، مصطفی رخ صفت، عبدالعلی رضایی، عبداله رمضان زاده، علی اصغر رمضان زاده، ابوالفضل شکوری، فیاض زاهد، امین سازگار نژاد، جلیل سازگار نژاد، احمد سناری، عیسی سحرخیز، علی شکوری راد، محمود شمس الواعظین، شعبان شهیدی مودب، محمد صدر، خسرو طالب زاده، عباس عبدی، فیض اله عرب سرخی، محمد عطریانفر، علیرضا علوی تبار، مسعود غفاری، احمد غلامی، محمد جواد فرید زاده، مهدی فرید زاده، احمد قابل، هادی قابل، ابوالقاسم قاسم زاده، حسین قاضیان، محمد قوچانی، محمد جواد کاشی، جمیله کدیور، محسن کدیور، فاطمه کمالی احمدسرایی، الهه کولایی، اکبر گنجی، محسن گودرزی، سعید لیلاز، فخرالسادات محتشمی پور، مهدی مدرسی نیا، علی مزروعی، احمد مسجد جامعی، محمد جواد مظفر، سید عبدالواحد موسوی لاری، عطاء اله مهاجرانی، محسن میردامادی، عبداله ناصری، بهزاد نبوی، محمدعلی نجاتی، محمد علی نجفی، حسین نصیری، محمد نعیمی پور، کامبیز نوروزی، کسری نوری، حسین واله، جعفر همایی

استاد ارجمند جناب آقای مصطفی ملکیان

ضایعه درگذشت تاسف بار والده گرامی تان را به جناب عالی و خانواده محترم تسلیت عرض می نماییم. از خداوند منان برای آن مرحومه، غفران و رحمت الهی و برای جنابعالی و سایر بازماندگان مکرم، صبر و بردباری آرزو مندیم.

با شرکت در مجلس یادبود آن عزیز از دست رفته، خود را در غم و اندوه شما شریک می نماییم.

اکبر گنجی، معصومه شفیعی

از خوانندگان عزیز روزنامه خواهشمندیم انتقادات و پیشنهادهای خود را به منظور بهبود نحوه توزیع روزنامه از طریق تلفن/نمابر

۶۶۹۵۸۶۱۰

با ما در میان بگذارند.

دانش و هنر زندگی و سرگرمی در **هفته‌نامه شرق**
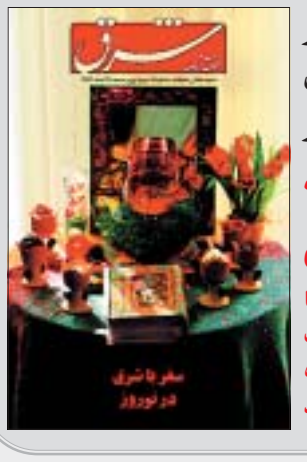
ویژه جمعه ها و تعطیلات پنج شنبه آینده منتشر می شود